

Legal Aspects of UK Diplomatic Protection of Nazanin Zaghari (Type of Paper: Research Article)

Azam Amini [†], Mohammad Abedi [‡]

Abstract

State right to exert diplomatic protection of its nationals, who have been harmed in other countries, is an incontestable subject matter, provided that they prove their nationality, exhaustion of local remedies, and commit internationally wrongful acts. However, the possibility of diplomatic protection of those with dual nationality in other subject country and resort to human rights of the protected individual is among issues that have been well-established in international practice. Detention, trial, and condemnation of Mrs. Nazanin Zaghari, an Iranian-British Subject, in Iran and UK diplomatic protection of her, and the probability of UK litigation in ICJ once again raised the question of dominant nationality of protected individual and resort to human rights as a basis for diplomatic protection. In this survey, conducted by a descriptive-analytical method, Britain justifications for diplomatic protection of Mrs. Zaghari on the basis of dominant nationality and human rights have been investigated and it has been criticized based on national regulations of Iran in the context of nationality and the principle of prohibition of abuse of rights and estoppel. Additionally, political negotiations with Britain to solve the dispute or Iran withdrawal from the protocol on compulsory admission of ICJ jurisdiction annexed to Vienna Convention on Consular Relations before filing a lawsuit before ICJ can be considered as possible solutions.

Keywords

Dual Nationality, Human Rights, Diplomatic Protection, Consular Cooperation, Nazanin Zaghari.

[†] Assistant Prof., Faculty of Law and Political Science, University of Ferdowsi, Mashhad, Iran, Email: amini.az@um.ac.ir

[‡] Assistant Prof., Faculty of Law and Political Science, University of Ferdowsi, Mashhad, Iran, Email: Dr.m.abedi@um.ac.ir

Received: October 13, 2019 - Accepted: September 23, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

ابعاد حقوقی حمایت دیپلماتیک بریتانیا از نازنین زاغری

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

اعظم امینی^{۱*}، محمد عابدی^۲

چکیده

حق دولت‌ها در حمایت دیپلماتیک از اتباع خود که در دیگر کشورها آسیب دیده‌اند، به شرط احراز تابعیت و طی طریق مراجع داخلی و ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی، مسلم است. لیکن، امکان حمایت دیپلماتیک از دارندگان تابعیت مضاعف در کشور متبوع دیگر شخص و استناد به نقض حقوق بشر شخص حمایت‌شده از مسائلی است که در رویه‌های بین‌المللی در مسیر تثبیت قرار دارد. بازداشت و محکومیت خانم نازنین زاغری تبعه ایرانی-انگلیسی در ایران و اعمال حمایت دیپلماتیک بریتانیا از وی و احتمال اقامه دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری، دوباره موضوع قاعده تابعیت غالب شخص حمایت‌شده و استناد به حقوق بشر را، به‌عنوان مبنای حمایت دیپلماتیک، مطرح کرده است. در این پژوهش، که به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته، ادله توجیهی دولت بریتانیا در اعمال حمایت دیپلماتیک از خانم زاغری بر مبنای تابعیت غالب و حقوق بشر بررسی شده و به استناد مقررات داخلی تابعیت و منع سوءاستفاده از حق و استاپل مورد نقد قرار گرفته است. همچنین، مذاکرات سیاسی با بریتانیا به‌منظور حل موضوع یا خروج ایران از پروتکل پذیرش اجباری صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری منضم به کنوانسیون روابط کنسولی پیش از طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری، پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژگان

تابعیت مضاعف، حقوق بشر، حمایت دیپلماتیک، معاضدت کنسولی، نازنین زاغری.

۱. استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).
Email: amini.az@um.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
Email: Dr.m.abedi@um.ac.ir

مقدمه

خانم نازنین زاغری-راتکلیف تبعه ایرانی-بریتانیایی است که از سال ۲۰۰۷ به بریتانیا رفته، در سال ۲۰۰۹ با آقای راتکلیف، از اتباع بریتانیا، ازدواج کرده و در سال ۲۰۱۳ تابعیت بریتانیا را به دست آورده است. خانم زاغری، که معمولاً هر ساله با گذرنامه ایرانی برای دیدار با اقوام خویش به ایران سفر می‌کرده است، در ۱۵ فروردین ۱۳۹۵ هنگام خروج از ایران به مقصد بریتانیا در فرودگاه امام خمینی بازداشت شد (Dugard & Macdonald, 2017: 2). وی، که سابقه همکاری با بنیاد خیریه تامسون رویترز و رسانه بی‌بی‌سی را در کارنامه کاری خود دارد، به اتهام جاسوسی و مشارکت در براندازی نرم جمهوری اسلامی از طریق همکاری با مؤسسات خارجی محاکمه و به پنج سال زندان محکوم شده است (تسنیم، ۱۳۹۵). بازداشت و محکومیت خانم زاغری، که همزمان دو تابعیت ایرانی و بریتانیایی دارد، به سرعت به مسئله حقوقی و سیاسی تبدیل شد. دولت بریتانیا از ابتدای بازداشت وی مسئله را دنبال کرده و حتی وزیر امور خارجه بریتانیا شخصاً برای پیگیری وضعیت خانم زاغری به تهران سفر کرد. دولت بریتانیا از سال ۲۰۱۷ درصد فراهم کردن مقدمات حقوقی اعمال حمایت دیپلماتیک از خانم زاغری بوده و به همین سبب نظریه‌های حقوقی در خصوص امکان اعمال حمایت دیپلماتیک و استناد به نقض حقوق بشر، به عنوان مبنای این حمایت، را تدارک دیده است (Dugard & Macdonald, 2017). بریتانیا مدعی است خانم زاغری هر چند با گذرنامه ایرانی به ایران سفر کرده، لیکن تابعیت غالب وی تابعیت بریتانیایی است و دلایل متعددی را در این خصوص ذکر کرده است (Dugard, 2017: 7-8). همچنین، بریتانیا ادعا دارد با آنکه اصولاً صلاح نمی‌بیند تا از اتباع دارای تابعیت مضاعفی که دولت پذیرنده، دیگر دولت متبوع شخص است حمایت دیپلماتیک به عمل آورد، لیکن در موارد خاص به جهات حقوق بشری از اتباع مضاعف که تابعیت غالب آنها بریتانیایی است، حمایت دیپلماتیک خواهد کرد (GOV.UK, 2019b) در همین زمینه، در ۱۴ اسفند، وزارت امور خارجه بریتانیا رسماً حمایت دیپلماتیک خود را از خانم نازنین زاغری اعلام کرد (Guardian, 2019).

حمایت دیپلماتیک اعلام شده مبتنی بر دو مدعای حقوقی مهم است؛ یکی آنکه در مورد تابعیت مضاعف شخص، تابعیت غالب لحاظ می‌شود و خانم زاغری تابعیت غالب بریتانیا را دارد، از این رو لقوانین داخلی ایران که تابعیت مضاعف اتباع خود را به رسمیت نمی‌شناسند، فاقد اعتبار حقوقی است (Dugard, 2017: 10)؛ دوم آنکه تحولات رویه قضایی بین‌المللی در جهت حرکت کرده است که فقدان دادرسی منصفانه و نقض حقوق بشر یک متهم خارجی در فرایند دادرسی می‌تواند مبنایی برای اعمال حمایت دیپلماتیک باشد (Dugard & Macdonald, 2017: 22). تنش حقوقی و سیاسی ناشی از بازداشت و محکومیت خانم زاغری و حمایت دیپلماتیک از

وی این احتمال قوی را به دنبال دارد که بریتانیا در دیوان بین‌المللی دادگستری دعوا اقامه کند و چون دو دولت ایران و بریتانیا پروتکل پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری منضم به کنوانسیون روابط کنسولی ۱۹۶۳ وین را تصویب کرده‌اند (UNTC, 2019)، در صورت احراز تابعیت غالب بریتانیایی خانم زاغری، دیوان اعلام صلاحیت کرده و به مسائل ماهوی مربوط به نقض حقوق بشر و فقدان دادرسی منصفانه خواهد پرداخت.

این پژوهش درصدد است تا با روشی توصیفی - تحلیلی مفهوم حمایت دیپلماتیک و تفاوت آن با معاضدت کنسولی و مسئله حمایت دیپلماتیک از دارندگان تابعیت مضاعف را بررسی کند و پس از بیان دلایل توجیهی بریتانیا برای اعمال حمایت دیپلماتیک از خانم نازنین زاغری، اشکالات وارد بر حمایت دیپلماتیک بریتانیا را در این قضیه بیان کرده و جایگاه حقوق بشر را در حمایت دیپلماتیک در رویه قضایی بین‌المللی و در قضیه خانم زاغری مطالعه کند. در نهایت، با تحلیل حقوقی و بی‌طرفانه راهکارهای حقوقی و صلاحیدیدی خویش را ارائه کند.

مفهوم و ابزار حمایت دیپلماتیک

اصل عدم قابلیت طرح دعوی بین‌المللی از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی در مراجع بین‌المللی قضایی و داوری با دو استثنا مواجه است: نخست، حمایت دیپلماتیک و دوم، حق افراد براساس کنوانسیون‌های حقوق بشر (نیاورانی و ذبیحی‌شهری، ۲۰۱۵: ۴).

حمایت دیپلماتیک مکانیسمی است که به موجب آن دولت می‌تواند جبران زیان اتباعش را در خارج از کشور تضمین کند. ماده ۱ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص حمایت دیپلماتیک مقرر می‌دارد: «... حمایت دیپلماتیک، متضمن استناد به مسئولیت دولت دیگر از طریق اقدام دیپلماتیک یا دیگر روش‌های حل‌وفصل مسالمت‌آمیز بابت صدمه و زیان واردشده به اتباع آن دولت، اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی، در نتیجه فعل متخلفانه بین‌المللی دولت دیگر و به‌منظور اجرای آن مسئولیت است» (DADP, 2006). همان‌گونه که دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه ماوروماتیس بیان کرده است، حمایت دیپلماتیک بر مبنای این اصل توجیه می‌شود که صدمه به تبعه به‌منزله ورود خسارت به دولت است (PCIJ, 1924: Series A, No. 2). آن‌گونه که در پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص حمایت دیپلماتیک آمده است، در واقع، دولت نه‌تنها مدعی حق خود است، بلکه حق تبعه زیان‌دیده‌اش را ادعا می‌کند (DADP, 2006). کمیسیون حقوق بین‌الملل اظهار می‌دارد که حمایت دیپلماتیک اتخاذشده توسط یک دولت در سطح بین‌دولت‌ها طریق جبرانی مهمی را برای حمایت از اشخاصی که حقوق بشرشان در خارج نقض شده است، تأمین می‌سازد. حمایت دیپلماتیک فرایندی جبرانی همانند مسئولیت بین‌المللی است و در قلمرو قواعد ثانویه

حقوق بین‌الملل قرار دارد (Crawford, 2013: 585) و محدود به خسارتی است که به‌نحو غیرمستقیم و از باب تسبیب وارد می‌شود که در اصطلاح به آن زیان بازتابی اطلاق می‌شود، به این معنا که دولت متبوع زیان‌دیده مستقیماً قربانی نقض قواعد نیست، بلکه در واقع دولت به سبب نقض حق تبعه خود دچار خسارت شده و حمایت دولت به لحاظ آن است که تبعه نمی‌تواند به مراجع قضایی بین‌المللی دسترسی داشته باشد (Vermeer-Kunzli, 2007: 44).

شرایط اعمال حمایت دیپلماتیک

مطابق با مقررات حقوق بین‌الملل، دولت‌ها می‌توانند با رعایت پاره‌ای شرایط، از شهروندان خود که در سرزمین دولت دیگر متحمل خسارات مادی یا معنوی شده‌اند، حمایت حقوقی به‌عمل آورند. حمایت دیپلماتیک به شرطی قابل اعطا و اعمال است که بین دولت حمایت‌کننده و شخص حقیقی یا حقوقی مورد حمایت، رابطه حقوقی و سیاسی به نام تابعیت وجود داشته باشد و زیان‌دیده برای احقاق حق خود روند دادرسی محاکم داخلی دولت پذیرنده را طی کرده باشد. حمایت دیپلماتیک حق دولت برای تضمین رعایت احترام حقوق اشخاص متبوع یک کشور است که در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل در دیگر کشورها به‌دست آورده‌اند (Crawford, 2013: 566). در آرا و نظریه‌های سابق، پاکدستی زیان‌دیده یا مدعی حمایت دیپلماتیک شرط سوم اعمال حمایت دیپلماتیک بود (میرمحمدی، ۲۰۱۴: ۹۵-۹۴)، اما امروزه، با توجه به گسترش حقوق بشر و توسعه حمایت دیپلماتیک به مواردی که حقوق بشر نقض می‌شود، شرط مذکور جای خود را به شرط تحقق عمل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت پذیرنده داده است (Shapovalov, 2004: 831). در واقع، می‌توان گفت مفهوم پاکدستی زیان‌دیده تغییر یافته و معنای مضیقی از آن ارائه می‌شود، با این توضیح که پاکدستی زیان‌دیده به معنای عدم ارتکاب جرم یا تخلف نیست، بلکه ممکن است زیان‌دیده مورد حمایت با وجود ارتکاب تخلف یا جرم، از حیث روند دادرسی عادلانه و قانونی صدمه دیده باشد. در این صورت صرف عدم رعایت موازین بشردوستانه و مقررات قانونی، دولت متبوع وی را مستحق می‌سازد در مقام اعمال حمایت دیپلماتیک باشد. اگر این تحلیل، یعنی تغییر مفهوم پاکدستی زیان‌دیده پذیرفته نشود، باید گفت امروزه شرط پاکدستی زیان‌دیده از زمره شروط اعمال حمایت دیپلماتیک حذف شده و جای خود را به ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت پذیرنده داده است که در هر دو فرض نتیجه آن یکسان است.

به‌عنوان قاعده کلی، این دولت متبوع شخص است که برای اعمال حمایت دیپلماتیک استحقاق دارد. به موجب ماده ۴ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص حمایت دیپلماتیک، دولت متبوع «کشوری است که یک شخص براساس قوانین آن دولت، از طریق

تولد، خون، کسب تابعیت، جانشینی دولت یا هر روش دیگری که مغایر با حقوق بین‌الملل نباشد، تابعیت آن کشور را کسب کرده باشد» (DADP, 2006).

حمایت دیپلماتیک دامنه وسیعی از اقدامات را در برمی‌گیرد. این اقدامات شامل مذاکره، میانجی‌گری، رسیدگی‌های قضایی و داوری، اقدام متقابل و قطع روابط دیپلماتیک است (Crawford, 2013: 568). به‌علاوه، اقدام دیپلماتیک تمامی شیوه‌های قانونی را در بردارد که یک دولت، دیگری را از نظرها و نگرانی‌هایش از جمله اعتراض، تقاضا برای تحقیق یا مذاکره با مدنظر قرار دادن حل‌وفصل اختلافات آگاه سازد و ضروری است از طرق قانونی و صلح‌آمیز انجام گیرد (DADP, 2006). دولت اجراکننده حمایت دیپلماتیک نسبت به انتخاب یکی از راهکارهای اقامه دعوا در مراجع بین‌المللی یا رجوع به دادگاه‌های داخلی برای مطالبه جبران خسارت (با رعایت مصونیت دیپلماتیک) و انعقاد موافقت‌نامه مقطوع صلاحدید دارد و می‌تواند ترتیباتی را برای توزیع غرامات دریافت‌شده از دولت مسئول اتخاذ کند (Kadelbach, Rensmann & Rieter, 2019:105). طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری مهم‌ترین فرایند قضایی برای اعمال حمایت دیپلماتیک اقامه دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری است؛ هرچند طرح دعوا در محاکم بین‌المللی منوط به رضایت دولت‌ها شده است. در پرونده نازنین زاغری چون ایران و انگلستان هر دو پروتکل پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری منضم به کنوانسیون روابط کنسولی ۱۹۶۳ وین را پذیرفته‌اند، امکان رجوع بریتانیا به دیوان بین‌المللی دادگستری وجود دارد.

معاضدت کنسولی و حمایت دیپلماتیک

مرز میان معاضدت کنسولی و حمایت دیپلماتیک هنوز کاملاً روشن نیست. بررسی پرونده‌های لاگران و اونا و نیز دیالو نشان می‌دهد که ابتدا موضوع عبارت از معاضدت کنسولی و نقض مقررات بند «ب» ماده ۳۶ کنوانسیون روابط کنسولی بوده که به حمایت دیپلماتیک دولت متبوع از زیان‌دیدگان، به‌سبب نقض مقررات ناظر بر معاضدت کنسولی و حقوق بشری، منتهی شده است. با وجود این، میان معاضدت کنسولی و حمایت دیپلماتیک تفاوت‌های اساسی وجود دارد و حداقل از سه جنبه این دو باید متمایز شوند: یکی اینکه محدوده فعالیت‌های کنسولی مقررشده به‌وسیله کنوانسیون روابط کنسولی با حمایت دیپلماتیک متفاوت‌اند؛ دوم، در سطح نمایندگی میان معاضدت کنسولی و حمایت دیپلماتیک تفاوت وجود دارد؛ و سوم، معاضدت کنسولی ماهیت پیشگیرانه و حمایت دیپلماتیک ماهیت جبرانی دارد (Vermeer-Künzli, 2007: 79).

به موجب بند «الف» ماده ۵ کنوانسیون روابط کنسولی، یکی از وظایف کنسول‌ها حمایت از منافع اتباع در دولت پذیرنده مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل است؛ اما، طبق ماده ۵۵

کنوانسیون، این حمایت نباید به گونه‌ای باشد که در امور داخلی دولت پذیرنده دخالت کنند و کنسول عملاً اختیار دخالت در روند قضایی را ندارد و نمی‌تواند اعمال عدالت در دادرسی دولت پذیرنده را انکار کند (VCCL, 1963). کنسول‌ها نقش خاصی در کمک به اتباع در شرایط سخت مانند یافتن وکیل، بازدید از زندان و تماس با مقامات محلی دارند، اما نمی‌توانند در جریان دادرسی قضایی و امور داخلی دولت پذیرنده و دادن مشاوره حقوقی به دادگاه یا تحقیق در مورد جرم دخالت کنند (Vermeer-Künzli, 2007: 80). کنوانسیون در مورد مفاد این حمایت، به جز در مورد شرایط عمومی رعایت حقوق بین‌الملل، ساکت است. اصل عدم مداخله، قلمرو معاضدت کنسولی را محدود می‌کند، لیکن در حمایت دیپلماتیک این اصل مطرح نمی‌شود. هرچند نمایندگان دیپلماتیک در امور داخلی دولت پذیرنده دخالت نمی‌کنند (بند ۱ ماده ۴۱ طرح پیش‌نویس حمایت دیپلماتیک)، اما در خصوص حمایت دیپلماتیک نیز حتی اگر این حمایت مطابق با مقررات حقوق بین‌الملل اجرا شود، به‌منزله دخالت در امور داخلی دولت پذیرنده نیست؛ زیرا دولت فرستنده حمایت دیپلماتیک را به‌عنوان حق خود اعمال می‌کند و بعد از طی رسیدگی در مراجع داخلی، دیگر سخن از اختلاف شخص و دولت نیست، بلکه اختلاف میان دو دولت مطرح است. بدین ترتیب، دیگر موضوع امر داخلی نیست، بلکه اختلاف دارای ماهیت بین‌المللی خواهد بود (Vermeer-Künzli, 2007: 80).

تفاوت دیگر میان حمایت دیپلماتیک با معاضدت کنسولی در این است که اگر کنسول کشوری اقداماتی مانند ملاقات با شخص بازداشتی یا معاضدت حقوقی را فراهم سازد، به‌عنوان معاضدت کنسولی تلقی می‌شود؛ درحالی‌که دخالت سفیر یا وزیر امور خارجه یا مقامات بالاتر، که با حاکمیت دولت‌ها نیز ارتباط پیدا می‌کنند و منافع دولت و نه شخص تبعه را مدنظر دارند، در سطح حمایت دیپلماتیک مطرح است (Vermeer-Künzli, 2007: 81-82).

تفاوت سوم بین حمایت دیپلماتیک با معاضدت کنسولی در این است که معاضدت کنسولی ماهیت پیشگیرانه دارد، اما ماهیت حمایت دیپلماتیک جبرانی است. توضیح آنکه معاضدت کنسولی قبل از طی تمام مراحل داخلی و پیش از نقض حقوق بین‌الملل اتفاق می‌افتد و این امر به مساعدت کنسولی این امکان را می‌دهد که از یک سو کمتر رسمی باشد و از سوی دیگر توسط دولت میزبان بیشتر قابلیت پذیرش داشته باشد. معاضدت کنسولی اغلب به حمایت از حقوق تبعه مربوط است و مقید به رضایت شخص است. همان‌گونه که در کنوانسیون وین در مورد روابط کنسولی گفته شده است، معاضدت کنسولی صرفاً زمانی فراهم می‌شود که شخص مورد حمایت آن را تقاضا کند. اما حمایت دیپلماتیک درصدد است موضوع بین‌المللی یا بین‌دولتی را مطرح سازد؛ یعنی سطحی که در نهایت قادر شود دعوی بین‌المللی را ایجاد کند و شخص مورد حمایت نمی‌تواند دولت متبوعش را از اقامه دعوا یا ادامه دادرسی منع کند (Vermeer-Künzli, 2007: 84).

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه لاگران، در تفسیر بند ۱ ماده ۳۶ کنوانسیون روابط کنسولی، بر این نظر است که این ماده حقوق شخصی را مطرح می‌کند که می‌تواند توسط دولت متبوع شخص تحت بازداشت مورد استناد قرار گیرد و «وضوح این مقررات در سیاق آنها جای هیچ تردیدی را در این زمینه باقی نمی‌گذارد» (ICJ Reports, 2001: 482-483). دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اونا نیز اظهار داشت «نقض‌های حقوق اشخاص به موجب ماده ۳۶ ممکن است نقض حقوق دولت فرستنده را در پی داشته باشد. متقابلاً، نقض حقوق دولت اخیر نیز می‌تواند به نقض حقوق شخص منتهی شود. در این شرایط خاص و بستگی متقابل حقوق دولت و حقوق شخص، مکزیک می‌تواند با طرح دعوی به نام خود، از دیوان درخواست کند تا در مورد نقض حقوقی تصمیم بگیرد که ادعا می‌کند مستقیماً و از طریق نقض حقوق شخصی، که به موجب قسمت «ب» بند ۱ ماده ۳۶ به اتباع مکزیک اعطا شده، به‌وقوع پیوسته است. تکلیف به طی طریق جبران داخلی بر چنین درخواستی اعمال نمی‌شود. به‌علاوه، به دلایل مذکور، دیوان ضروری نمی‌بیند که به ادعاهای مکزیک مبنی بر نقض حقوق بین‌الملل تحت عنوان جداگانه حمایت دیپلماتیک بپردازد» (ICJ Reports, 2004: 33). این گفته بر آن دلالت می‌کند که چنانچه مکزیک، مدعی حقوق خویش نمی‌شد، زیان دیدگان ملزم بودند که از قاعده طی طریق داخلی پیروی کنند و این به‌نوبه خود حاکی از آن است که با وجود اظهار نظر نهایی دیوان، این وضعیت از وضعیت‌های حمایت دیپلماتیک است و نه وضعیت مساعدت کنسولی (Vermeer-Künzli, 2007: 85-86).

قضیه خانم زاغری مسئله‌ای حمایت دیپلماتیک است نه معاضدت کنسولی و هرچند حمایت دیپلماتیک رسماً از اسفند ۱۳۹۷ توسط وزارت امور خارجه بریتانیا اعلام شده است، اما، در واقع، پیش از آن، به سبب ورود وزیر امور خارجه بریتانیا به موضوع، که شخصاً به ایران سفر کرده و مسئله خانم زاغری را پیگیری کرده بود، مسئله از معاضدت کنسولی فراتر رفته و به حمایت دیپلماتیک ارتقا یافته بود، زیرا معاضدت کنسولی ماهیت پیشگیرانه دارد و قبل از وقوع فعل متخلفانه بین‌المللی و پیش از آنکه طرق جبران محلی طی شود، تحقق می‌یابد. همچنین، معاضدت کنسولی در سطح محلی اعمال می‌شود و به دنبال تأمین برخورد منصفانه و قانونی با اتباع در سطح محلی است. اما وقتی به ادعای دولت حمایت‌کننده، عمل متخلفانه بین‌المللی تحقق یافت و طرق جبران محلی طی شد، موضوع به سطح بین‌دولتی ارتقا می‌یابد و نمایندگی‌ها در این سطح دارای ماهیت دیپلماتیک است نه کنسولی؛ ماهیتی که عمل دیپلماتیک را، آن‌گونه که در ماده ۱ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص حمایت دیپلماتیک آمده است، شکل می‌دهد.

حمایت دیپلماتیک و کنسولی از دارندگان تابعیت مضاعف

زمانی که شخص تابعیت مضاعف داشته باشد، قاعده مجری در حقوق بین الملل برای طرح دعاوی این بود که هریک از دولت‌های متبوع نمی‌تواند علیه دولت دیگری که فرد همزمان تابعیت وی را نیز داراست، دعوی حمایت دیپلماتیک اقامه کند (CCQRCNL, 1930)، اما این قاعده تغییر پیدا کرده و جای خود را به این اصل داده است که چنانچه تابعیت دولت خواهان نسبت به تابعیت دولت خواننده غالب باشد، این ادعا رد نخواهد شد. ماده ۷ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین الملل در زمینه حمایت دیپلماتیک مقرر می‌دارد: «دولت متبوع نمی‌تواند حمایت دیپلماتیک را نسبت به یک شخص در برابر دولتی که آن شخص تبعه آن کشور نیز هست اعمال کند، مگر تابعیت دولت سابق در زمان ورود زیان و در زمان تقدیم رسمی دادخواست غالب باشد» (DADP, 2006). حمایت دیپلماتیک و اولویت اینکه تابعیت کدام دولت متبوع مؤثر است، با سنجیدن قوت هریک از روابط در پرتو عوامل مختلفی ارزیابی می‌شود و در شرایط مختلف، متفاوت است. برای توصیف عوامل مؤثر در تعیین تابعیت غالب اقدام ویژه‌ای صورت نگرفته است، اما نویسندگان برخی عوامل را خاطرنشان ساخته‌اند، مانند اقامت دائم، مدت زمان گذرانده شده در هریک از دو کشور متبوع، تاریخ گواهی تابعیت (طول دوره گذرانده شده به عنوان یک تبعه نزد دولت حامی پیش از آنکه دعوا اقامه شود)، مکان، برنامه‌ها و زبان آموزش، کار و منافع مالی، مکان زندگی خانوادگی و پیوندهای خانوادگی در هر کشور، مشارکت در زندگی اجتماعی و عمومی، استفاده از زبان، پرداخت مالیات، حساب‌های بانکی، بیمه تأمین اجتماعی، دیدار با دیگر اتباع دولت، داشتن و استفاده از گذرنامه دولت دیگر و خدمت نظام وظیفه. هیچ‌کدام از این عوامل قاطع نیست و وزن هریک از این عوامل با توجه به اوضاع و احوال هر پرونده متفاوت است (DADP, 2006).

سیاق ماده ۷ پیش‌نویس مواد حمایت دیپلماتیک به گونه‌ای است که در مورد تابعیت مضاعف، تابعیت غالب به عنوان مستثنا بیان شده است، زیرا این ماده می‌گوید: «دولت متبوع نمی‌تواند حمایت دیپلماتیک را اعمال کند... مگر تابعیتش غالب باشد». این عبارت نشان می‌دهد که اوضاع و احوال مورد نظر ماده ۷ باید استثنا تلقی شود و نیز روشن می‌سازد که بار اثبات آن بر عهده دولت مدعی است که ثابت کند تابعیت وی غالب است.

قسمت «الف» و «ب» ماده ۳۶ کنوانسیون روابط کنسولی مقرر می‌دارد: «الف) مأموران کنسولی آزاد خواهند بود که با اتباع دولت فرستنده ارتباط برقرار کنند و به آنها دسترسی داشته باشند. اتباع دولت فرستنده نیز در مورد برقراری ارتباط با مأموران کنسولی دولت متبوع خود و دسترسی داشتن به آنها از همان آزادی برخوردار خواهند بود؛ ب) در صورتی که در حوزه کنسولی، یکی از اتباع دولت فرستنده توقیف یا زندانی یا در انتظار محاکمه، بازداشت یا به هر

صورت دیگر توقیف شده باشد، مقامات صلاحیت‌دار دولت پذیرنده، بنا به تقاضای ذی‌نفع، بدون تأخیر مراتب را به پست کنسولی دولت فرستنده اطلاع خواهند داد. مراسلات و مکاتبات شخص توقیف یا زندانی یا بازداشت‌شده خطاب به پست کنسولی بدون تأخیر توسط مقامات مذکور ارسال خواهد شد. مقامات مذکور حقوقی را که شخص ذی‌نفع به موجب این بند داراست، به اطلاع خواهند رسانید» (VCCL, 1963). حال سؤال این است که آیا کنوانسیون روابط کنسولی، اتباع با تابعیت مضاعف را هم شامل می‌شود یا خیر؟ به عبارت دیگر، هنگامی که تبعه در یکی از کشورهای تابعیت آن را دارد بازداشت یا زندانی باشد، آیا دولت متبوع دیگر می‌تواند ادعای حقوق مذکور در ماده ۳۶ را داشته باشد؟ این مسئله در قضیه اونا و سایر اتباع مکزیکی مطرح شد که در آن قضیه آمریکا مدعی شد مکزیکی از اشخاصی که تابعیت مضاعف آمریکایی-مکزیکی دارند، حمایت دیپلماتیک به عمل آورده و مرتکب قصور شده است؛ از جمله آمریکا مدارکی ارائه کرد که آقای زامبرانو، یکی از محکومان موضوع اختلاف، تبعه آمریکاست و مکزیکی، با این استدلال که اشخاص دوتابعیتی براساس ماده ۳۶ کنوانسیون حق دسترسی و اطلاع از مساعدت کنسولی را ندارند، ادعای خود را در مورد آن شخص استرداد کرد. این اقدام مکزیکی مورد انتقاد قاضی پارا آرنجورن قرار گرفت، زیرا به نظر وی ماده ۶ طرح کمیسیون، مکزیکی را محق می‌ساخت که از طرف زامبرانو نیز اعلام حمایت دیپلماتیک کند و براساس مدارک، تابعیت غالب و مؤثر وی را ثابت کند و ایشان عمل مکزیکی را برخلاف دستاوردهای کمیسیون حقوق بین‌الملل تلقی کرد، زیرا به موجب ماده ۶ طرح کمیسیون در صورتی که تابعیت دولت حمایت‌کننده، در زمان ورود خسارت و در زمان ارائه دادخواست و طرح دعوا، تابعیت غالب و مؤثر باشد، می‌تواند حمایت دیپلماتیک را اعمال کند (سلطانی‌آذر، ۲۰۱۵: ۵۸). نظر قاضی دیوان را باید تأیید کرد، زیرا معاضدت کنسولی و حمایت دیپلماتیک ارتباط نزدیک و هدف واحدی دارند و در صورتی که در حمایت دیپلماتیک نظریه تابعیت غالب و مؤثر را بپذیریم، در معاضدت کنسولی نیز این نظریه اعمال می‌شود.

دلایل توجیهی بریتانیا مبنی بر اعمال حمایت دیپلماتیک از نازنین زاغری

بریتانیا ادعا دارد که خانم نازنین زاغری در ایران به‌نحو خودسرانه بازداشت شده و حقوق اساسی وی نسبت به اعمال دادرسی عادلانه به‌شدت نقض شده است، از این‌رو مسئله وی به موضوع حقوق بشری و انسانی بدل شده است (Dugard & Macdonald, 2017:1). بریتانیا معتقد است که برای جبران خسارات ادعایی واردشده به خانم زاغری، که دارای تابعیت ایرانی-بریتانیایی است، می‌تواند حمایت دیپلماتیک را اعمال کند و رسماً در ۵ مارس ۲۰۱۹ این حمایت را اعلام کرد (Guardian, 2019). دلایل توجیهی بریتانیا برای اعمال حمایت دیپلماتیک

که مبتنی بر نظر مشورتی مؤسسه ردرس از پروفیسور جان دوگارد است (Dugard, 2017)، به شرح ذیل باشد:

الف) خانم زاغری با گذرنامه ایرانی به این کشور سفر می‌کرده است. لیکن، دلیل داشتن و استفاده از گذرنامه دولت ایران آن است که این کشور ضرورت می‌داند اتباع ایرانی برای سفر به ایران یا از ایران گذرنامه ایرانی را استفاده کنند. مطابق با توصیه مسافرتی اداره امور خارجه و مشترک‌المنافع بریتانیا، در ایران حفظ دو تابعیت غیرقانونی است. در این اوضاع و احوال قابل درک است که از حیث حقوقی و به‌عنوان دلیل تابعیت غالب، استفاده از گذرنامه ایرانی برای سفر به ایران یا از ایران توسط شهروند دوتابعیتی بی‌ارزش باشد.

ب) از سال ۲۰۰۷ زندگی شخصی و شغلی خانم نازنین زاغری در بریتانیا بوده است نه ایران. او در تعطیلات برای دیدار خانواده‌اش به ایران می‌رفته است و نه برای زندگی در این کشور. در دیدارهای خانم زاغری از ایران وی با گذرنامه ایرانی‌اش سفر کرده است، زیرا قوانین ایران چنین چیزی را ضرورت می‌داند، این در حالی است که از سال ۲۰۱۳ وی در سایر مسافرت‌های خود به کشورهای دیگر با گذرنامه بریتانیایی مسافرت کرده است.

ج) خانم زاغری ارتباطات خانوادگی، شغلی و مالی قوی با بریتانیا دارد. شوهر و دخترش شهروند بریتانیا هستند؛ زبانی که در خانه صحبت می‌کنند، انگلیسی است. منزلی که در آن زندگی می‌کنند مالکیت مشترک با شوهرش دارد. او در بریتانیا مالیات پرداخت می‌کند و رأی می‌دهد؛ دارای سهام در شرکت‌های بریتانیایی است و در سه بانک بریتانیا حساب بانکی دارد و از سال ۲۰۰۸ که مدرک کارشناسی ارشد خود را اخذ کرده است، در یک شرکت بریتانیایی استخدام شده و تا زمان بازداشت در آن کار می‌کرده است.

د) در این نظر مشورتی آمده است که وقتی تابعیت غالب تابعیت بریتانیا باشد، در حقوق بین‌الملل هیچ منعی مبنی بر حمایت دیپلماتیک بریتانیا از اشخاص دوتابعیتی در برابر کشور متبوع دیگر وجود ندارد. استحقاق دولت به موجب حقوق بین‌الملل نمی‌تواند با موضع اتخاذشده توسط دولت دیگر به موجب مقررات داخلی‌اش تحت تأثیر قرار گیرد (Dugard, 2017: 7-8).

بدین ترتیب، از نظر بریتانیا سه شرط حمایت دیپلماتیک فراهم شده است: ۱. ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی توسط ایران که از مصادیق نقض جدی حقوق بشر است؛ یعنی بازداشت غیرقانونی و فقدان فرایند دادرسی عادلانه؛ ۲. طی طریق مراجع داخلی توسط خانم زاغری؛ یعنی پایان یافتن طرق دادرسی تا قطعیت رأی صادرشده؛ و ۳. اثبات تابعیت غالب بریتانیا.

ایرادات وارد بر اعمال حمایت دیپلماتیک بریتانیا از خانم زاغری

دلایل بریتانیا برای اعمال حمایت دیپلماتیک از خانم زاغری می‌تواند از سه منظر پاسخ داده شود: یکی از نظر انکار تابعیت خارجی و غالب وی؛ دوم با استناد به قاعده منع سوءاستفاده از حق و پاسخ سوم مبتنی بر ایراد هشدار و قاعده استاپل است که به شرح ذیل در سه قسمت بررسی می‌شود.

۱. ایرادات مربوط به تابعیت خارجی و غالب نازنین زاغری

مطابق با بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، کسانی که پدر آنها ایرانی است، تبعه ایران محسوب می‌شوند و به موجب ماده ۹۸۷ قانون مدنی زن ایرانی که با تبعه خارجی ازدواج می‌کند، به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند، مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود. براساس تبصره ۱ ماده ۹۸۷ هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج، زن را به حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد، در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد، به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت شود. بنابراین، از یک طرف، تابعیت ایرانی خانم نازنین زاغری مسلم است و از طرف دیگر، چون قانون ایران اصل وحدت تابعیت را پذیرفته است و تابعیت مضاعف را قبول ندارد، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه اصولاً موجب سلب تابعیت ایرانی زوجه نخواهد شد و زوجه تابعیت ایرانی خود را حفظ خواهد کرد. ماده ۹۸۷ صرفاً دو استثنا را مقرر کرده است: اول، جایی که قانون دولت متبوع زوج تابعیت شوهر را به واسطه ازدواج بر زوجه تحمیل کند که در این صورت زوجه قهراً تابعیت ایرانی خود را از دست می‌دهد و تابعیت شوهر را به دست می‌آورد؛ دوم، وقتی قانون دولت متبوع زوج، زن را بین دو امر بقا بر تابعیت ایرانی یا پذیرش تابعیت زوج مخیر می‌گذارد؛ در این صورت، اگر زن ایرانی بخواهد به تابعیت ایرانی خود باقی بماند، سخنی نیست. اما اگر بخواهد در مقام اعمال تخییر، تابعیت شوهر خود را بپذیرد، باید درخواست کتبی دهد و اگر دولت با تقاضای او موافقت کند، زن تابعیت ایرانی خود را از دست می‌دهد و تابعیت شوهر را به دست می‌آورد. بدین ترتیب، طبق مقررات ایران فرض تابعیت مضاعف در نتیجه ازدواج متصور نیست و اگر یکی از این دو استثنا تحقق نیافته باشد، مطابق قاعده مذکور در صدر ماده ۹۸۷ قانون مدنی زن ایرانی بعد از ازدواج با تبعه بیگانه فقط تابعیت ایرانی خواهد داشت. بدین ترتیب، در پرونده خانم زاغری که در سال ۲۰۰۹ با تبعه انگلیسی ازدواج کرده و در سال ۲۰۱۳ با درخواست تابعیت بریتانیایی وی موافقت شده است، چون هیچ‌یک از این دو استثنا تحقق نیافته و قانون انگلستان نه تابعیت شوهر را بر زن تحمیل می‌کند و نه زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر می‌گذارد، در عمل تابعیت

مضاعف محقق می‌شود. در نتیجه، خانم زاغری طبق قاعده از نظر مقررات ایران فقط تبعه ایرانی است، ولی از نظر مقررات انگلستان شخص دوتابعیتی است که در عین حال طبق ادعای انگلستان تابعیت انگلیسی وی تابعیت غالب است. البته ممکن است در صورت اقامه دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری، بریتانیا ادعا کند که مطابق ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ یک طرف معاهده نمی‌تواند به حقوق داخلی خود به‌عنوان توجیهی برای قصور خود در اجرای معاهده استناد کند (VCLT, 1969)، هر چند قوانین داخلی ایران تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسد، اما قاعده بین‌المللی پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل تابعیت غالب و مؤثر است. بند «ب» ماده ۳۶ کنوانسیون روابط کنسولی نیز از یک سری حقوق برای اتباع بیگانه و نیز خود دولت سخن می‌گوید. ایران با استناد به قوانین داخلی خود که تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسد، در مورد اتباع دوتابعیتی صرفاً تابعیت ایرانی آنها را معتبر می‌داند و حقوق ناظر بر اتباع بیگانه را در مورد این افراد رعایت نمی‌کند. ماده ۳۱ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات، مقرر می‌دارد: «یک معاهده با حسن نیت و منطبق با معنای معمولی آنکه باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود تفسیر می‌شود»، «سیاق عبارت است از ... هر قاعده مرتبط با حقوق بین‌الملل که در روابط بین طرف‌های معاهده قابل اجراست» (VCLT, 1969). بنابراین، چون کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات متضمن قواعد عرفی است که توسط کشورها از جمله ایران مورد عمل و استناد قرار گرفته است و قاعده حاکمیت تابعیت غالب در مورد اشخاص دوتابعیتی به‌عنوان یک قاعده مرتبط با حقوق بین‌الملل پذیرش شده است و از جمله در دعاوی ایران و آمریکا قاعده تابعیت غالب اجرا شده است، بدین ترتیب، بی‌تردید تابعیت غالب و مؤثر نیز بر روابط کنسولی حاکم خواهد بود.

استناد بریتانیا به تابعیت غالب خانم نازنین زاغری نیز می‌تواند با ایرادات ذیل مواجه شود: از یک سو چون خانم زاغری دارای تابعیت مضاعف بوده و یکی از دو تابعیت وی (تابعیت نخستین وی)، که ناشی از تولد او بوده، تابعیت ایران بوده است و نیز در زمان بازداشت و محاکمه او، تابعیت انگلیسی‌اش هنوز به موجب هیچ حکم قطعی ادعا و اعلام نشده بود و از سوی دیگر چون خود متهم با استناد به تابعیت ایرانی خود وارد ایران شده و بدان اقرار کرده است، جمهوری اسلامی ایران نمی‌توانسته است بر مبنای ماده ۳۶ کنوانسیون روابط کنسولی، به دولت بریتانیا برای معاضدت کنسولی اطلاع‌رسانی کند، زیرا اولاً طبق قانون اساسی ایران دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند و پذیرش معاضدت کنسولی وی به‌طور ضمنی به‌منزله سلب تابعیت ایرانی از خانم زاغری بوده است؛ ثانیاً چون خانم زاغری هنگام ورود به ایران به تابعیت ایرانی خود استناد کرده، اقدام احتمالی ایران در موافقت با معاضدت کنسولی برخلاف اراده اولیه متهم بوده است؛ ثالثاً برخلاف مقررات حقوق بشری است که ایران بخواهد تابعیتش را از یکی از اتباع خود سلب کند، هر چند به‌علت تابعیت مضاعف این احتمال وجود

داشته باشد که تابعیت غالب وی تابعیت کشور دیگر باشد؛ رابعاً ماده ۲ کنوانسیون ملیت زنان متأهل، که انگلستان نیز به آن پیوسته است، مقرر می‌دارد: «هر دولت متعهد موافقت می‌کند که نه اکتساب ارادی تابعیت دولت دیگر و نه انصراف از تابعیت توسط یکی از اتباعش، نباید مانع از ابقای تابعیت توسط همسر چنین تبعه‌ای شود» (CNMW, 1957). بنابراین، مقررۀ مذکور در ماده ۲ ضمن آنکه به زن اجازه می‌دهد تابعیت نخستین خود را با وجود اکتساب تابعیت شوهر حفظ کند، دولت‌های عضو را نیز مکلف کرده که زنی را که تابعیت آن کشور را در نتیجۀ ازدواج به دست آورده است، از حق باقی ماندن بر تابعیت سابق خود محروم نکند. در پروندۀ حاضر نیز خانم زاغری تابعیت انگلستان را از راه ازدواج با آقای رتکلیف به دست آورده است و بریتانیا وظیفه دارد به موجب کنوانسیون حاضر حق خانم زاغری برای استناد به تابعیت پیشین خود را رعایت کند و خانم زاغری نیز با ورود به ایران با گذرنامه ایرانی حق خود را مبنی بر باقی ماندن بر تابعیت ایران اعمال کرده است.

برخی نویسندگان، با استناد به ماده ۴ پیش‌نویس حمایت دیپلماتیک سال ۲۰۰۶ که مقرر می‌کند «به منظور حمایت دیپلماتیک، شخص حقیقی شخصی است که تابعیت خود را طبق قوانین دولت متبوع از طریق تولد، نژاد، اکتساب تابعیت، جانشینی یا هر روش دیگری که مغایر با حقوق بین‌الملل نباشد به دست آورده باشد»، معتقدند تابعیت براساس مقررات داخلی تعیین می‌شود و اعطای تابعیت نباید خارج از چارچوب حقوق بین‌الملل و روش‌های آن باشد. بنابراین، هرگاه شخصی به صورت غیرارادی طی روشی مغایر با حقوق بین‌الملل تابعیتی را کسب کند، مانند زمانی که زوجه تابعیت زوج را به طور خودکار با ازدواج کسب می‌کند، در اصل باید به این فرد اجازه داده شود که توسط دولت متبوع پیشین مورد حمایت دیپلماتیک قرار گیرد (ماده ۲ کنوانسیون ملیت زنان متأهل) (نیاورانی و ذبیحی شهری، ۱۵: ۲۰۱۵: ۴۴).

این نظر، از این حیث که کسب تابعیت از راه ازدواج را به عنوان روشی مغایر با حقوق بین‌الملل تلقی کرده است، قابل قبول نیست، زیرا چه در قوانین داخلی ایران (ماده ۹۸۷ قانون مدنی) و چه در مقررات بین‌المللی کسب تابعیت از راه ازدواج روشی معمول و قانونی است. همچنین، این نتیجه که زوجه بتواند توسط دولت متبوع پیشین خود مورد حمایت دیپلماتیک قرار گیرد، همیشه صادق نیست، زیرا با توجه به پذیرش تابعیت غالب و مؤثر در فرض تابعیت مضاعف، ممکن است تابعیت دولت متبوع ثانوی شخص به عنوان تابعیت غالب پذیرفته شود. افزون بر اینکه از ماده ۲ کنوانسیون ملیت زنان متأهل چنین تفسیری بر نمی‌آید.

۲. استناد به قاعده منع سوءاستفاده از حق

اصل منع سوءاستفاده از حق یکی از قواعد مورد قبول تمام نظام‌های حقوقی است که در اصل

۴۰ قانون اساسی ایران نیز بدان تصریح شده است. در پرونده خانم زاغری می‌توان از دو نظر به این اصل استناد کرد: یکی آنکه خانم زاغری در صورتی که می‌خواست از حقوق ناشی از تابعیت بریتانیایی‌اش استفاده کند و بدان استناد جوید، لازم بود بعد از تحصیل تابعیت بریتانیایی در سال ۲۰۱۳ و مستند به تبصره ۱ ماده ۹۸۷ قانون مدنی ایران، تقاضای ترک تابعیت ایران را به وزارت امور خارجه تقدیم کند و پس از آن با تابعیت بریتانیایی خویش به ایران سفر می‌کرد. لیکن، خانم زاغری با وجود کسب تابعیت بریتانیایی در سال ۲۰۱۳ در سفرهای مکرر و سالانه خود به ایران، با گذرنامه ایرانی خود وارد کشور شده و بعد از متهم شدن به جاسوسی به منظور ارتباط با برخی مؤسسات انگلیسی ادعا کرده است که تبعه انگلستان است. به نظر می‌رسد نامبرده از ظرفیت قوانین ایران مبنی بر ابقا بر تابعیت ایرانی خود سوءاستفاده کرده و در شرایط متفاوت برحسب اوضاع و احوال به یکی از دو تابعیت خویش استناد کرده است.

استدلال بریتانیا نیز، مبنی بر اینکه چون مقررات ایران تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسد و خانم زاغری ناچار بوده با گذرنامه ایرانی خود به ایران سفر کند (Dugard, 2017: 7)، قابل قبول نیست، زیرا تبصره ۲ ماده ۹۸۷ قانون مدنی ایران امکان درخواست ترک تابعیت ایران و پذیرش تابعیت انگلیسی شوهرش را برای وی فراهم ساخته و از سال ۲۰۱۳ چنین فرصتی برای وی وجود داشته است.

دوم، هر چند کشورها در اعطای تابعیت مطابق مقررات داخلی خود از آزادی برخوردارند و تابعیت اعطاشده نیز از نظر مقررات و دادگاه‌های داخلی معتبر خواهد بود، اما چنین تابعیتی وقتی اعتبار بین‌المللی دارد و می‌تواند از سوی سایر کشورها و مراجع قضایی بین‌المللی پذیرفته شود که شرایطی احراز شود. یک دولت حق ندارد با سوءاستفاده، تقلب و صرفاً به منظور حمایت از یک شخص یا اعمال انگیزه‌های سیاسی تابعیت یک شخص را تقبل کند (آقاحسینی، ۱۹۸۵: ۶۷). در پرونده خانم زاغری، به نظر می‌رسد سوابق کاری نامبرده در رسانه بی‌بی‌سی و بنیاد خیریه تامسون رویترز و فعالیت‌های خاص وی در ایران، که تحت عنوان آموزش خبرنگاری انجام می‌گرفته و به تأیید بوریس جانسون وزیر امور خارجه پیشین بریتانیا نیز رسیده، در حمایت سیاسی و تبلیغاتی و اعمال حمایت دیپلماتیک، مؤثر بوده است و بیانگر وجود انگیزه‌های سیاسی در ادعای تابعیت غالب بریتانیایی وی است.

۳. ایراد هشدار و قاعده استاپل

بریتانیا در خصوص ماده ۷ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص حمایت دیپلماتیک (حمایت دیپلماتیک از افراد چندتابعیتی) این‌گونه اظهار نظر کرده است (A/CN.4/561 and Add. 1-2 2006) که این ماده، یک قاعده کلی حقوق بین‌الملل را تدوین کرده که براساس آن، یک دولت متبوع از ادعای فرد دوتابعیتی علیه دیگر دولت متبوع آن فرد پشتیبانی نخواهد کرد

و از این رو، دولت بریتانیا طبیعتاً ادعای یک تبعه را هنگامی که دولت خواننده، دولت متبوع دوم اوست، نخواهد پذیرفت. البته تنها در مواردی که دولت متبوع واردکننده خسارت، آن فرد را تبعه بریتانیا قلمداد کند، چنین حمایتی امکان پذیر است. همچنین دولت بریتانیا در گذرنامه‌ه اتباع بریتانیایی یادداشتی درج کرده است مبنی بر اینکه تبعه بریتانیایی که تابعیت مضاعف دارد و «در کشور دیگری باشد که تابعیت آن را دارد نمی‌تواند از دولت بریتانیا حمایت دیپلماتیک بگیرد. شخصی که تابعیت مضاعف دارد ممکن است مشمول قوانین کشور دیگر شود. پیامدهای اینکه چه مسئولیت‌هایی ممکن است با کشور دیگر داشته باشید با خودتان است» (GOV.UK, 2019a). بریتانیا، به‌رغم چنین رویه‌ای که در حقوق داخلی خود دنبال می‌کند، در ۵ مارس ۲۰۱۹ به خانم نازنین زاغری رتکلیف حمایت دیپلماتیک اعطا کرده است. برگه راهنمای حمایت از اتباع بریتانیایی در خارج نیز روشن می‌سازد که این حمایت نمی‌تواند به‌طور معمول به یک تبعه مضاعف در کشور دیگری که تابعیت آن را نیز دارد داده شود. در صفحه تارنمای دولت انگلستان (<https://www.gov.uk/help-if-you-are-arrested-abroad/y/iran>) نیز بعد از اینکه ذکر شده است که کنسولگری بریتانیا می‌تواند به اتباع بریتانیایی دوتابعیتی با یک گذرنامه معتبر که در کشور دیگری غیر از کشوری که تابعیت دیگر آن را دارند کمک کند، قید شده است، ولی این کمک شامل کشوری که گذرنامه آن را دارد نمی‌شود، مگر اینکه به دلایل بشردوستانه خاصی باشد.

ایالات متحده آمریکا اعمال حمایت دیپلماتیک از سوی مکزیک را رد کرد. استدلال آمریکا این بود که مکزیک از اشخاصی حمایت دیپلماتیک به‌عمل آورده که تابعیت مضاعف آمریکایی - مکزیکی دارند و مرتکب قصور شده است. پس از آن مکزیک ادعای خود را در مورد اشخاص دارای تابعیت مضاعف استرداد کرد و دیوان به بحث اتباع دوتابعیتی پرداخت. در قضیه خانم زاغری نیز دولت بریتانیا، از پیش، امکان حمایت دیپلماتیک از دارندگان تابعیت مضاعف را در کشور دولت متبوع شخص دارای تابعیت مضاعف رد کرده است. بنابراین، به‌نظر می‌رسد که ایالات متحده و بریتانیا اعتقادی به امکان قانونی معاضدت کنسولی و حمایت دیپلماتیک از دارندگان تابعیت مضاعف در دیگر دولت متبوع شخص ندارند. اکنون بریتانیا نمی‌تواند برخلاف باور و اعتقادی که آن را مکتوب اعلام کرده است، مدعی حمایت دیپلماتیک شود. مفاد قاعده استاپل؛ که از قواعد پذیرفته شده در کامن‌لا و حقوق بین‌الملل است، مؤید چنین استنباطی است.

۱. مطابق تعریف فرهنگ حقوقی بلک استاپل عبارت است از «اینکه یک طرف در نتیجه افعال خود از مطالبه حقی به ضرر دیگری که به آن افعال اعتماد کرده و مطابق آن اقدام کرده منع می‌شود. استاپل در فرضی است که شخص قانوناً از سخن گفتن برخلاف سند یا عمل خود منع شود، زیرا وضعیت یا رفتار متعارضی را که موجب زبان دیگری شود نمی‌توان پذیرفت. استاپل مانعی است که ادعا یا انکار واقع معین یا وضعیت‌هایی را به جهت ادعا یا انکار یا عمل یا پذیرش یا قضاوت نهایی، در یک دادگاه حقوقی ممنوع می‌سازد» (Brayan A. Garner, 2004: 285-286).

جایگاه حقوق بشر در حمایت دیپلماتیک

در خصوص نقض تعهدات حقوق بشری، پیش‌نویس مواد حمایت دیپلماتیک، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی حاکم بر حمایت دیپلماتیک و قواعد مربوط به حمایت از حقوق بشر را مکمل یکدیگر می‌داند و در مطالبه جبران خسارت ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی امکان توسل به هر اقدامی، علاوه بر حمایت دیپلماتیک، وجود دارد بدان معنا که این دو نظام حقوقی هر دو می‌توانند در عرض یکدیگر اعمال شوند و اعمال یکی مانع از وجود و اعمال دیگری نیست. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیالو تأیید کرد که در دهه‌های اخیر حقوق بین‌الملل در زمینه حقوق اعطاشده به اشخاص توسعه ماهوی داشته و قلمرو ماهوی حمایت دیپلماتیک، که در آغاز به ادعاهای نقض حداقل استانداردهای رفتار با بیگانگان محدود بود، اکنون به گونه‌ای گسترش یافته است که حقوق بشر تضمین شده بین‌المللی را نیز در برمی‌گیرد. این امر مؤید آن است که حمایت دیپلماتیک می‌تواند فراتر از استانداردهای حداقلی سنتی رفتار با بیگانگان، به‌عنوان ابزاری برای تضمین حقوق بشر به کار رود (عبداللهی و حسنخانی، ۲۰۱۴: ۴۲).

برخی نویسندگان، با پذیرش این مسئله که در پرونده بارسلونا تراکشن دیوان بین‌المللی دادگستری، به تبعیت از عرف مسلم حقوق بین‌الملل، حمایت دیپلماتیک را یکی از اعمال حاکمیتی و در انحصار دولت می‌داند، معتقدند صرفاً این حق دولت است که از تبعه خود حمایت دیپلماتیک به عمل آورد. اما این نویسندگان، با توجه به آرا صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده‌های لاگراند و اونا، ادعا دارند که حمایت دیپلماتیک به جایگاه حق بشری ارتقا یافته و دولت وظیفه دارد از تبعه زیان دیده حمایت دیپلماتیک به عمل آورد (نیاورانی و ذبیحی‌شهری، ۲۰۱۵: ۲۰). در واقع، همگام با ارتقای جایگاه فرد در روابط بین‌الملل و خارج شدن مسئله حقوق بشر از صلاحیت انحصاری حاکمیت دولت‌ها، دیوان، به‌عنوان رکن قضایی جامعه بین‌المللی، نقش سازنده‌ای در راستای تحول مفهوم حمایت دیپلماتیک در جهت ارتقا جایگاه حقوق بشر داشته است. امروزه، حمایت دیپلماتیک از یک راهکار قضایی صرف که در موارد معینی قابل اجراست، خارج شده و قابلیت آن را دارد که به سازوکاری برای حمایت از حقوق بشر تبدیل شود (نیاورانی و ذبیحی‌شهری، ۲۰۱۵: ۵۱).

در قضیه لاگراند آلمان ادعا کرد که دولت آمریکا با نقض ماده ۳۶ کنوانسیون وین ۱۹۶۳، هم حقوق دولت آلمان را نقض کرده و هم حقوق فردی برادران لاگراند نقض شده است. به‌علاوه، حق مطلع شدن از حقوق مذکور در بند «ب» ماده ۳۶ کنوانسیون وین از جمله حقوق فردی است که به مرتبه حقوق بشر بیگانگان ارتقا یافته است. دیوان بین‌المللی دادگستری این ادعاها را پذیرفت و اظهار داشت که ماده ۳۶ کنوانسیون وین حقوقی را برای فرد بازداشت‌شده و دولت متبوع وی در نظر گرفته است (سلطانی‌آذر، ۲۰۱۵: ۵۴).

در پرونده لاگران، آمریکا مدعی بود که برادران لاگران به موقع و به شیوه مناسب مسئله نقض حقوق خود طبق بند «ب» ماده ۳۶ را مطرح نکردند، از این رو نه از لحاظ آیین دادرسی داخلی امکان طرح مجدد آن در محاکم داخلی وجود دارد و نه می‌توان چنین ادعایی را در محاکم بین‌المللی مطرح کرد. دیوان این ادعا را رد کرد، زیرا برادران لاگران در زمان مناسب از حقوق خود مطلع نشده بودند تا حقوق خود را بیان و از آن استفاده کنند و آمریکا نمی‌تواند بر این مبنا عدم پذیرش ادعای آلمان را تقاضا کند، زیرا این مسئله ناشی از کوتاهی آمریکا برای انجام وظایفش براساس کنوانسیون وین جهت مطلع ساختن به موقع برادران لاگران بود (سلطانی‌آذر، ۲۰۱۵: ۵۵).

در قضیه خانم زاغری، هرچند بریتانیا اعتقاد دارد و اعتقاد وی در توصیه‌های مسافرتی اداره امور خارجه و مشترک‌المنافع و گذرنامه اتباع بریتانیایی بیان شده است که دولت بریتانیا از اشخاص دارای تابعیت مضاعف که در کشور دیگری تابعیت دارند، معاضدت کنسولی و حمایت دیپلماتیک به عمل نمی‌آورد، لیکن استثنایی را مقرر کرده است که هرگاه دلایل حقوق بشری حمایت دیپلماتیک را توجیه کند، بریتانیا از دارندگان تابعیت مضاعف نیز در برابر دولت متبوع دیگر شخص حمایت دیپلماتیک به عمل می‌آورد. در راهنمای اداره امور خارجه و مشترک‌المنافع بریتانیا در سال ۲۰۱۱ نیز تصریح شده است که «... ما استثنایی بر این قاعده داریم: اگر اوضاع و احوال قضیه به گونه‌ای نگریسته شود که شما به طور خاص آسیب‌پذیر هستید»، حمایت دیپلماتیک به عمل خواهد آمد. همچنین مقرر شده است که «کمک بریتانیا تابع اوضاع و احوال و کشوری است که شخص تابعیت آن دولت را دارد» (GOV.UK, 2011).

همچنین پروفیسور دوگارد، علاوه بر اعلام نظر حقوقی مبنی بر اعلام امکان حمایت دیپلماتیک بریتانیا از نازنین زاغری، در نظریه حقوقی دوم خود امکان استناد به نقض حقوق بشر را نیز در این پرونده مطرح کرده است. این حقوقدان بین‌المللی در نظریه خود اعلام داشته است هرچند بریتانیا تعهدی به اعمال حمایت دیپلماتیک نسبت به اتباع دو تابعیتی در برابر کشور متبوع دیگر ندارد و حمایت دیپلماتیک یک موضوع صلاحیدی است، اما همان‌گونه که ماده ۱۹ طرح حمایت دیپلماتیک توصیه می‌کند، دولت‌های مستحق اجرای حمایت دیپلماتیک مطابق با مفاد پیش‌نویس حاضر باید «الف) توجه کافی به امکان اجرای حمایت دیپلماتیک به‌ویژه هنگامی که زیان جدی وارد شده است داشته باشند؛ ب) تا حد ممکن نظرهای اشخاص زیان‌دیده در خصوص توسل به حمایت دیپلماتیک و پیگیری غرامت را مدنظر قرار دهند» (DADP, 2006). این توصیه باید انجام گیرد، چون حمایت دیپلماتیک ابزار مهمی در حمایت از حقوق بشر است (Dugard & Macdonald, 2017). در همین زمینه، ایشان مدعی است که براساس مبانی ذیل، حقوق بشر خانم زاغری برای داشتن دادرسی منصفانه نقض شده است و امکان حمایت دیپلماتیک بریتانیا وجود دارد، چراکه نخست، هیچ مبنا قانونی در

حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل برای بازداشت وی وجود ندارد؛ دوم، شرایط بازداشت وی خیلی پایین‌تر از استانداردهای بین‌المللی بوده است؛ سوم، خانم زاغری از بیشتر تضمینات اساسی لازم برای دادرسی منصفانه طبق حقوق بین‌الملل محروم بوده است؛ و چهارم، دلایل قوی وجود دارد که سپاه پاسداران به دلیل تابعیت دوگانه و شهروندی بریتانیا با او به‌نحو تبعیض‌آمیزی برخورد کرده است (Dugard & Macdonald, 2017).

به‌نظر می‌رسد در صورتی که بریتانیا در این پرونده به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کند و دیوان مذکور، با احراز تابعیت غالب بریتانیایی خانم زاغری، صلاحیت بریتانیا را برای اعمال حمایت دیپلماتیک بپذیرد، موضوع حقوق بشر به‌عنوان مبنای حمایت دیپلماتیک مطرح می‌شود و راهی که در قضیه لاگران، اونا و به‌ویژه دیالو در استناد به حقوق بشر به‌عنوان مبنای حمایت دیپلماتیک باز شده بود، در قضیه نازنین زاغری به‌نحو پررنگ‌تری مورد استناد قرار گرفته و شاید به تثبیت یک رویه بین‌المللی منجر شود. بنابراین، ضرورت دارد از هم‌اکنون وزارت امور خارجه با کمک وزارت دادگستری و قوه قضائیه مستندات مربوط به رعایت حقوق متهم را، در چارچوب مقررات داخلی از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و مقررات بین‌المللی، تهیه و به‌هنگام ضرورت ارائه و اثبات کند. دو پیشنهاد انجام مذاکرات سیاسی با بریتانیا به‌منظور حل موضوع و پرهیز از تبعات حقوقی ناخواسته و پیش‌بینی‌ناپذیر یا خروج ایران از پروتکل پذیرش اجباری صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری منضم به کنوانسیون روابط کنسولی ۱۹۶۳ وین، با رعایت مهلت مندرج در بند ۲ ماده ۵۶ کنوانسیون حقوق معاهدات وین، پیش از طرح دعوای بریتانیا در دیوان بین‌المللی دادگستری، و با هدف پیشگیری از اتخاذ اقدامات مشابه توسط دیگر کشورها در موارد تابعیت مضاعف، با لحاظ مصالح سیاسی و بین‌المللی کشور، نیز، قابل بررسی است.

نتیجه‌گیری

تحولات رویه قضایی بین‌المللی نشان می‌دهد که از یک سو، حمایت دیپلماتیک از دارندگان تابعیت مضاعف، به‌شرط آنکه تابعیت کشور حمایت‌کننده تابعیت غالب باشد، پذیرفته شده است؛ از سوی دیگر، با ارتقای رعایت حقوق بشر و توجه بیشتر به حقوق فردی اشخاص در روابط بین‌الملل، حقوق بشر به‌عنوان یکی از مبانی اصلی اعمال حمایت دیپلماتیک قرار گرفته است. دولت بریتانیا دقیقاً در همین زمینه مسئله اعمال حمایت دیپلماتیک از خانم نازنین زاغری را مطرح کرده و ادله توجیهی خود مبنی بر اثبات تابعیت غالب وی و ادعای عدم رعایت دادرسی منصفانه را فراهم کرده است. بررسی رویه‌های بین‌المللی و توجه به قواعد عام و جنبه‌های خاص قضیه خانم زاغری نشان می‌دهد که دولت ایران می‌تواند با رد تابعیت غالب

خانم زاغری به استناد مقررات داخلی ایران و قاعده منع سوءاستفاده از حق و قاعده استاپل، مانع از صلاحیت بریتانیا برای اعمال حمایت دیپلماتیک و اقامه دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری شود و در صورت عدم توفیق در این راه، مستندات مربوط به رعایت حقوق متهم را، در چارچوب مقررات داخلی از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و مقررات بین‌المللی، تهیه و به‌هنگام ضرورت ارائه شود و اثبات کند.

منابع

۱. فارسی

الف) مقالات

۱. آقاحسینی، محسن (۱۳۶۴)، «بررسی مواضع و نقطه نظرهای جمهوری اسلامی ایران و دولت آمریکا در پرونده الف/۱۸ دیوان داورى دعاوى ایران- ایالات متحده در مورد تابعیت مضاعف» *مجله حقوقی بین‌المللی دوره ۴*، ش ۲، ص ۷۲-۴۹.
۲. سلطانی‌آذر، سعید (۱۳۹۴)، «بررسی آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در حوزه حمایت دیپلماتیک از منظر حقوق بشر (با نگاهی به پرونده‌های بارسلونا ترکشن، برادران لاگران، اونا و سایر اتباع مکزیکی)»، *کانون وکلای دادگستری*، ۳۹-۴۰ (۱۱)، ص ۶۶-۴۱.
۳. عبداللهی، محسن؛ حسنخانی، علی (۱۳۹۴)، «پاسداری از حقوق فردی: تحلیل رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گینه علیه کنگو»، *پژوهش حقوق عمومی*، ۴۵ (۱۶)، ص ۵۲-۳۱.
۴. میرمحمدی، سید مصطفی (۱۳۹۳)، «حمایت دیپلماتیک؛ قرائتی حقوق بشری و اسلامی»، *دوفصلنامه حقوق بشر دانشگاه مفید*، ۹ (۲۱)، ص ۱۱۴-۹۱.
۵. نیاورانی، صابر؛ ذبیحی‌شهری، سیده ساناز (۱۳۹۴)، «حمایت دیپلماتیک در قامت یک حق بشری: مطالعه رویه قضایی بین‌المللی و نقد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۰۶)»، *مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۲۳ (۶)، ص ۵۴-۱۹.

ب) وبسایت‌ها

۶. تسنیم (۱۳۹۵)، «جزئیات بازداشت نازنین زاغری تبعه ایرانی — انگلیسی توسط سازمان اطلاعات سپاه»، خبرگزاری تسنیم.
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/03/26> (April 4, 2019).

A) Books

1. Brayan A. Garner. (2004), *Black's Law Dictionary*. 8th ed. Thomson.
2. Crawford, James (2013), *State Responsibility*, Cambridge, Cambridge University Press.
3. Kadelbach, Stefan, Thilo Rensmann, and Eva Rieter (2019), *Judging International Human Rights: Courts of General Jurisdiction as Human Rights Courts*. Springer.
4. Nowak, Manfred (2005), "UN Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary. 2nd." Ed. Kehl am Rhein: NP Engel.
5. Shelton, Dinah (2015), *Remedies in International Human Rights Law*. Oxford University Press, USA.

B) Articles

6. Abdollahi, Mohsen, Hassankhani Ali (2014). "Protecting Individual Rights: Analyzing ICJ Judgment in the Case of Guinea Against Congo" *Public Law Research* vol 45 (16): 31-52 ([In Persian](#)).
7. Agha-Hosseini, Mohsen. (1985). "Examining the Positions and Perspectives of the Islamic Republic of Iran and the United States Government in Case A / 18 of the Iran-US Court of Arbitration for Dual Citizenship" *International Law Review*, vol 4(2), pp. 51-90 ([In Persian](#)).
8. Mirmohammadi Seyed Mostafa, (2014). "Diplomatic Protection, a Human Rights and Islamic Reading", *Journal of the Human Rights*, vol 9(1), pp. 91-114 ([In Persian](#)).
9. Niavarani Saber, Zabihi Shahri Seyedeh Sanaz, (2015). "Diplomatic support in the figure of human right; the study of international judicial process and the criticism of international law commission". *Police International Studies Journal*, Vol 6(23), pp. 27-62 ([In Persian](#)).
10. Shapovalov, Aleksandr, (2004). Should a Requirement of Clean Hands Be a Prerequisite to the Exercise of Diplomatic Protection-Human Rights Implications of the International Law Commission's Debate. *American University International Law Review*, 20, 829 ([In Persian](#)).
11. Soltani Azar Saeed (2015). "Review of ICJ Judgments in the Field of Diplomatic Protection from a Human Rights Perspective (Considering the Cases of Barcelona Traction, LaGrand Brothers, Avena and Other Mexicans Nationals)" *Journal of the Bar Association* 39-40 (11): 41-66 ([In Persian](#)).
12. Vermeer-Kunzli, A. (2007), "As If: The Legal Fiction in Diplomatic Protection." *European Journal of International Law*, Vol. 18, No.1, pp. 37-68 ([In Persian](#)).

C) Cases

13. Vermeer-Künzli & Maria Helena, Anna (2007), "The Protection of Individuals by Means of Diplomatic Protection : Diplomatic Protection as a Human Rights

Instrument.” Department of Public International Law, Faculty of Law, Leiden University.

D) Reports, Documents and judgmental procedures

14. Document A/CN.4/561 and Add. 1–2. (2006), Comments and Observations Received from Governments. Draft Articles on Diplomatic Protection with Commentaries. 2006.
15. A/CN.4/561 and Add. 1–2. (2006), Comments and Observations Received from Governments. http://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_561.pdf (April 9, 2019).
16. CCQRCNL. (1930), Convention On Certain Questions Relating To The Conflict of Nationality Laws The Hague-12 April 1930. [http://eudocitizenship.eu/InternationalDB/docs/Convention on certain questions relating to the conflict of nationality laws FULL TEXT.pdf](http://eudocitizenship.eu/InternationalDB/docs/Convention%20on%20certain%20questions%20relating%20to%20the%20conflict%20of%20nationality%20laws%20FULL%20TEXT.pdf) (April 9, 2019).
17. CNMW. (1957), Convention on the Nationality of Married Women. [https://treaties.un.org/pages/ViewDetailsIII.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=XV I-2&chapter=16&Temp=mtdsg3&clang=_en](https://treaties.un.org/pages/ViewDetailsIII.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=XV-I-2&chapter=16&Temp=mtdsg3&clang=_en) (April 4, 2019).
18. DADP.(2006), Draft Articles on Diplomatic Protection with Commentaries. http://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_8_2006.pdf (April 4, 2019).
19. Dugard, John (2017), Legal Opinion II Availability of Diplomatic Protection. <https://redress.org/wp-content/uploads/2017/11/Zaghari-Ratcliffe-Opinion-Diplomatic-Protection-for-web.pdf> (April 4, 2019).
20. Dugard, John & Macdonald, Alison (2017), Legal Opinion I Violations of International Human Rights Obligations by the Islamic Republic of Iran. <https://redress.org/wp-content/uploads/2017/11/October-2017-ZAGHARI-RATCLIFFE-Opinion-on-HR-violations.pdf> (April 4, 2019).
21. United Nations (2006), Draft Articles on Diplomatic Protection with Commentaries. <https://www.refworld.org/docid/525e7929d.html> (April 4, 2019).
22. UNTC. (2019), “United Nations Treaty Collection.” https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=III-8&chapter=3&clang=_en (April 4, 2019).
23. VCCL. (1963), Vienna Convention on Consular Relations, 1963. http://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/9_2_1963.pdf (April 9, 2019).
24. VCLT. (1969), Vienna Convention on the Law of Treaties. http://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/1_1_1969.pdf (April 9, 2019).

E) Websites

25. English Books ([In Persian](#)).
26. English Articles ([In Persian](#)).

27. GOV.UK. (2011), Support for British Nationals Abroad: A Guide. www.gov.uk/fco (April 9, 2019).
28. ----- (2019a), “Dual Citizenship.” <https://www.gov.uk/dual-citizenship> (April 4, 2019).
29. ----- (2019b), “Dual Citizenship.” <https://www.gov.uk/dual-citizenship> (April 9, 2019).
30. Guardian (2019), “Nazanin Zaghari-Ratcliffe ‘Fearful’ as She Prepares for Iran Jail Hunger Strike.” <https://www.theguardian.com/news/2019/jan/13/nazanin-zaghari-ratcliffe-hunger-strike-iran> (April 4, 2019).
31. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/03/26> (April 4, 2019) (In Persian).
32. ICJ Reports (2001), Lagrand Case (Germany v. United States of America).
33. ----- (2004), Case Concerning Avena And Other Mexican Nationals (Mexico v. United States of America).
34. PCIJ. (1924), Ser.A No.2 The Mavrommatis Palestine Concessions, Greece v. Britain, Judgment, 30 August 1924, Permanent Court of International Justice (PCIJ).
35. Reports and documents and Cases
36. Theses (In Persian).